

# ما و یامین پوره‌های انقلابی

محمود صفدری

عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران

اخیراً یک ویدئو کلیپ از وحید یامین پور معاون وزیر ورزش و جوانان درباره مسئله حجاب در فضایی دست به دست می‌شود که ناخودآگاه مرا یاد یک جمله معروف از دکتر شریعتی می‌اندازد:

“فلاسفه اغلب پیروز تاریخ اند”.

من کاری به درست یا غلط بودن نظر شریعتی ندارم ولی با توجه به شور و احساس گفته‌های او که زاینده آثارش است می‌توانم حدس بزنم این جمله در مواجهه با کسی به ذهن و زبانش جاری شده است که مانند همین یامین پور خودمان به جای “فلسفیدن” در حال “سفسطیدن” بوده و لابد در عزم خود هم راسخ بوده است و شریعتی را آنقدر عصبی کرده که سیگاری روشن کرده و با این جمله خواسته انتقام آن یک سفسطه‌گر ستیزه‌جو را از تمام فلاسفه تاریخ بگیرد!

فایل تصویری پخش شده از آقای وحید یامین پور حاوی اطلاعات و فکت‌های دقیقی است و از این منظر نوعی سند غیرقابل انکار درباره اتمسفر ذهنی چنین انقلابیونی محسوب می‌شود:

۱- قطار انقلاب: این ترکیب تشبیهی که از قضا در ادبیات بسیاری از معتقدان و مرتزقان انقلاب وجود دارد مبین آن است که این افراد به جای آنکه انقلاب را به رودی زلال و روان تشبیه نمایند که با جریان یافتن در متن جامعه، زایش و برکت با خود بیاورد و با گذر رود آثار و برکاتش برای جامعه باقی بماند، به قطاری مانند کرده‌اند که پس از گذشتن از متن و بطن جامعه، جز سرو صدا و دود، آثاری از آن به جا نمی‌ماند!

ویژگی دیگری که در کلام ایشان برجسته می‌شود، تاکید بر “لوکوموتیو” آن است که دارای تعداد طرفداران کم اما به ادعای او سخت وفادار است و اگر قطار بخواهد جز دود و سروصدا، برکت دیگری برای واگن نشینان جامعه داشته باشد، راکبان لوکوموتیو محرکه که همان هسته سخت هستند- و اتفاقاً تنها دلبستگی و عامل حمایت‌شان از این قطار، همان خاصیت دود و سروصداست-، خود را از قطار پرت می‌کنند!

۲- نفع نظام در چیست؟

او می گوید نظام جمهوری اسلامی به نفع خودش نمی بیند که وا بدهد!!  
باید دید وا دادن در چارچوب ذهنی او و امثال او چیست؟!

مگر نه این است که او آگاهانه یا بر اساس لقلقه زبان نظام را  
#جمهوری\_اسلامی خطاب می کند!

پس چرا نظامی که ذات و هویت خود را مرهون و مدیون همین #جمهور  
است و در متن قانون اساسی خود مدعی جمهوریت، و در مشی خود هم تا  
همین اواخر قائل به جمهوریت بوده را اینچنین ناشیانه در مقابل  
مردمش قرار دهد؟!

آیا در نظر این سوفسطا، اسلامیت نظام باعث شده اینچنین رگ گردنش  
در برابر جمهور و خواسته قاطبه آنان باد کند؟!  
آیا یامین پور، داستان حجه الوداع، و حدیث متواتر "من كنت مولا  
فهذا علی مولا" را که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند نشنیده  
است؟

یا آیه شریفه ۶۷ سوره مبارکه مائده که به آیه تبلیغ معروف شده را  
نخوانده است:

"يَا أَيُّهَا الرِّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ  
رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا يَبَلِّغُكَ رَسَالَتَهُ ۗ  
وَاللَّهُ يُعَذِّبُكَ مِنَ النَّاسِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ"

یا آیه ی شریفه اکمال در سوره مبارکه مائده را نخوانده است:  
"الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ۚ وَ أَتَمَّمْتُ غَلَايِكُمْ  
نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا"  
آیا در فقه شیعه، حجت مصرّحی محکمر از این در باب دین و مذهب  
وجود دارد؟!

آیا او ادامه ماجرا را نخوانده است که در سقیفه چه گذشت و علی(ع)  
بعنوان مظهر ولایت و وصایت و میراث دار غدیر در فقه شیعه چگونه به  
نظر زعمای قوم که جمهوریتی سنتی بود و نه جمهوریتی برخاسته از  
رفراندوم مستقیم آحاد مردم(۱۲ فروردین ۵۸) تمکین کرد و سالها  
برای عزت اسلام و مسلمین، نص قرآن و وصیت نبی را کنار نهاد و در  
رکاب خلفای قبل از خود ماند تا شد آنچه که بعدها شد؟!

یا او اینها را می داند و فکر می کند علی(ع) وا داده؟!  
یا تصور می کند پس از ۲۳ سال نبوت پیامبر بزرگ اسلام و ۲۳ سال

خدمت علی(ع) به اسلام، او به اندازه همین حلقه ی بقول او لوکوموتیوسواران وفادار نظام جمهوری اسلامی، درکی از اسلام نداشته یا به اندازه یک لوکوموتیو طرفدار نداشته، وا داده و خود را از قطار اسلام پرت کرده و خلافت را وانهاده است!؟

جناب یامین پور، علی(ع) در آن دوده نه نظارت را تعطیل کرد و نه از اخلاقی که بافته ذهن تو و امثال توست حمایت کیفری کرد و بر دیگران تاخت!

نمیدانم بر چه اساس تلاش میکنی بافته های ذهنی خود و اطرافیان را به اسلام و نظام جمهوری اسلامی نسبت دهی!!!

علی(ع) برعکس تو و همفکران دگم ات، اخلاق را به جای حمایت کیفری نشانند و آنگاه که دید "به زور" به یهودیه ای ظلم میشود، در خطبه اش که به #استرجاع معروف شده فریاد زد: اگر کسی از غصه این درد بمیرد بر او حرجی نیست:

(وَ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانِ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ وَالْأَخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلْبَهَا وَ رِعَاثَهَا مَا تُمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَالِاسْتِرْجَاعِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا زَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَامٌ وَ لَا أَرِيقَ لَهُ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأَ مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَتْ عِنْدِي بِهِ جَدِيرًا فَقُبِحًا لَكُمْ وَ تَرَحًا حِينَ صِرْتُمْ غَرَضًا يُرْمَى يُغَارُ عَلَيْهِكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تُغْزُونَ وَ لَا تَغْزُونَ وَ يُعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضَوْنَ؛ کافی/۵/۵- نهج البلاغه/خطبه ۲۷)

اینکه حضرت میفرماید آدم آرزوی مرگ می‌کند، صرفاً به خاطر آن خلخال که از پای دختر یهودی کنده شده، نیست، بلکه به خاطر این است که «شما چرا در مقابل آنها مقاومت نمی‌کنید؟!» و بعد هم می‌خواهید با چاپلوسی آنها را راضی کنید که به شما ظلم نکنند و به آنها بگویید که «خواهش می‌کنیم ما را کمتر بزنی!» این است که غیرت امیرالمؤمنین(ع) را به خروش می‌آورد! این است که می‌فرماید اگر مرد مؤمن آرزوی مرگ کند، حق دارد! یعنی چرا وقتی کسی می‌خواهد زندگی تو را بگیرد، تو در دفاع از زندگی خودت نمی‌جنگی و نمی‌میری؟! حضرت در اینجا دارد راه زندگی را به ما یاد می‌دهد، دارد علاج واقعاً تأسف‌بار کنده شدن خلخال از پای یک دختر را یاد می‌دهد، نه اینکه

به ما بگوید: «به خاطر این ظلمی که اتفاق افتاده، عزاداری کنید!» بلکه از ما می‌خواهد اقدام کنید تا ریش این ظلم‌کننده شود. فریاد حضرت به خاطر لزوم این اقدام است. دردِ حضرت این است که «چرا شما مقاومت نمی‌کنید و اجازه می‌دهید شما را غارت کنند، بعد می‌روید التماسشان می‌کنید!»

(تفسیر خطبه از حجه الاسلام علی‌رضا پناهیان-منتشر شده در مجله مجازی میدما-۱۳۹۴/۴/۲۵)

جناب یامین پور عزیز؛ این است اخلاق علوی منبعث از سیره نبوی و آیات الهی که در گفتار و رفتار علی (ع) متجلی شده است نه آن چه تو در تلاشی تا به نام نظام جمهوری اسلامی بسط بدهی و تبدیلیش کنی به فلسفه نظام جمهوری اسلامی!!!

واقعا فکر میکنی این گفتار تو و تفسیری که از #جمهوریت و #اسلام داری و آنها را با هم نامتجانس می‌دانی، مصداق اُباحه‌گری است یا آن که روسری بر چوب می‌کند و مستمسک اسلامی اش آیه شریفه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره که به #آیه الکرسی هم معروف شده: "لَا اِكْرَاهَ فِی الدِّینِ، قَدْ تَبَدَّیْنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ" است و مستمسک قانونی اش هم شعار "استقلال، آزادی؛ جمهوری اسلامی" نظامی که خود به آن رأی داده است؟!

۳- ادعای مستهجن پایانی منبعث از مغز کوچک زنگ زده: یامین پور می‌گوید: اگر نظام امروز از مواضع خود عقب بنشیند زنان و دخترانی که امروز روسری بر سر چوب می‌کنند و آن بالا می‌ایستند، فردا شورت خود را بر چوب کرده و آن بالا می‌ایستند. من نمی‌فهمم و هر چه فکر می‌کنم نمی‌توانم بفهمم که او این ارتباط را از چه رابطه‌ی علی-معلولی و از چه منطق قیاسی به دست آورده است که چنین محکم حرف می‌زند و با زبان بدن و حرکات دست تلاش می‌کند دقیق نشان دهد؟!

جز اینکه فکر کنم احتمال مشغولیت ذهنی این تیپ افراد با اسافل اعضای خود و اطرافیان‌شان آنقدر زیاد و قوی است که لابد به او این دیدگاه را تحمیل کرده و او خود به نوعی قربانی این دیدگاه شده است.

#تعمیرات در دسترس است